

استرداد مجرمین و معاضدت قضایی

دکتر علیرضا میلانی^۱ و خاتون مهربخش^۲

۱- استاد یار گروه حقوق و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، نویسنده مسئول (alirezamillani@yahoo.com)

۲- دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی: kh.mehrbakhsh@gmail.com

چکیده

رشد و گسترش مفهوم حقوق بشر بطور اجتناب‌ناپذیری منجر به افزایش همکاری‌های بین‌المللی در مسائل جنایی شده است که مشهورترین شکل آن استرداد می‌باشد، که قرن‌ها تحت سلطه ملاحظات و نگرانی‌هایی بود که ریشه عمیقی در منافع دولت مانند حق حاکمیت، حفظ قدرت و نظم داخلی، حفظ اتحاد سیاسی خارجی، و غیره داشت. این تحول همزمان با گرایش به سمت تقویت موقعیت افراد از طریق به رسمیت شناختن شخصیت آنها در قوانین بین‌المللی، البته در یک حوزه بسیار محدود رخ داد، و در عین حال هنوز هم توسط برخی از مقامات مورد بحث قرار می‌گیرد، و اذعان دارند که آنها باید نظر خود را در مسائل بین‌المللی مربوط به منافع خود بیان کنند. مقررات کنوانسیون‌های چند جانبه اخیر در مورد حاکمیت بیانگر این گرایش است. یکی از نمونه‌های آن را می‌توان در کنوانسیون ۱۹۹۵ درباره روش استرداد ساده یافت، که در اتحادیه اروپا به آن پرداخته شده است. معاضدت قضایی، پذیرش و اجرای دستور قضایی توسط دادگاهی از یک حوزه قضایی به دادگاهی در حوزه قضایی دیگر است. چنین پذیرشی نیاز به یک معاهده بین دولتهای این دو حوزه قضایی دارد. در ایران نیز تاکنون قراردادها و موافقت‌نامه‌هایی با کشورهای مختلف در خصوص استرداد منعقد شده است. در سال ۱۳۳۹ قانون استرداد وضع شد. موضوع استرداد در ارتباط با فردی است که متهم به ارتکاب جرم است یا به ارتکاب جرمی محکوم شده است. تعدادی از جرایم هم غیرقابل استرداد هستند. به‌رحال تقاضای استرداد باید از طریق سیاسی به عمل آید. استرداد یک فرایند ترکیبی می‌باشد؛ نه صرفاً حقوقی است، و نه سیاسی و معمولاً توسط نهادهای قضایی آغاز شده و از طریق کانال‌های سیاسی ابلاغ می‌شود. نوشتار حاضر ضمن نگاهی اجمالی به همکاری حقوقی متقابل و استرداد به عنوان ابزاری برای همکاری‌های بین‌المللی، به جرایم قابل استرداد و آثار و شرایط آن می‌پردازد. در ادامه به نقش اینترنت در استرداد و نیز قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران در رابطه با معاضدت قضایی و استرداد مجرمین اشاره می‌کند.

واژه‌های کلیدی: استرداد، معاضدت قضایی، معاهدات، آثار و شرایط، اینترنت

۱- مقدمه

استرداد بین‌المللی روندی است که از طریق آن فرد بازداشت شده در یک کشور، به کشور دیگری برای پیگرد قانونی و اعمال مجازات، یا در برخی موارد، به منظور تحقیقات جنایی تسلیم می‌شود. اگرچه رسیدگی‌های استرداد منحصر به فرد هستند، ویژگی‌های دادرسی‌های کیفری را حفظ می‌کنند. نمایش کاملی از حقوق نسبت به متهم در یک اقدام جنایتکارانه طی جلسات استرداد اعمال نمی‌شود. از لحاظ تاریخی، ترتیبات استرداد بین دو کشور مبتنی بر اصول کمیته بین‌المللی بود. اکثر رسیدگی‌های مدرن استرداد از معاهدات استرداد دو یا چند جانبه، ابزار اساسی بین‌المللی شامل یک بند مربوط به استرداد، یک توافق تحویل نظامی، یا یک پیمان برای انتقال پناهندگان گرفته شده است. مسئولیت نظارت بر روند استرداد بین قوای مجریه و قضاییه، با وزیر امور خارجه به عنوان داور نهایی که آیا استرداد یک فرد انجام شود یا خیر، به اشتراک گذاشته شده است. قانون استرداد بتدریج تکامل یافته است، که شامل آموزه‌های تفسیری است که بین تعهدات و اختیارات اجرایی و قضایی تعادل برقرار می‌کند: معاهدات باید به نفع استرداد تفسیر شوند، اما دادگاهها، نقش اساسی در بررسی مدارک و رویه مسائل بازی می‌کنند.^۱ یکی از مسائلی که باید در اینجا مطرح شود این است که آیا استرداد باید از نیازهای اجرای قانون باشد و یا حمایت از حقوق بشر؟ دیگر اینکه، همزیستی بین منافع، نیازها و ارزش‌های موجود در همکاری‌های بین‌المللی در امور کیفری از یک سو، و حمایت از حقوق بشر، از سوی دیگر، باید در این مسئله دنبال شود.^۲ قانون و عملکرد استرداد همگام با گسترش حقوق افراد تحت قوانین بین‌المللی است. قانون استرداد بر اساس نقش فرد در روند استرداد مجرمین متمرکز است. تا همین اواخر، قوانین بین‌المللی تنها اقدامات دولت‌ها را مورد خطاب قرار می‌داد و افراد هیچگونه جایگاهی نداشتند تا نقض قوانین بین‌المللی یک ملت را ادعا کنند. حداقل حمایت ارائه شده به فرد در فرآیند استرداد، حاصل محدودیت‌های سنتی طبق قدرت دولت بود.^۳ اصول قوانین بین‌المللی حق استرداد را تنها از طریق یک معاهده به رسمیت می‌شناسد. برای تعیین ماهیت و میزان حق، دادگاه باید به متن معاهده توجه کند. مشاهده شده است که برخی از جرایم در سراسر جهان محکوم شده‌اند که عاملان آن دشمنان همه مردم هستند و مستحق مجازات؛ بنابراین می‌توان گفت استرداد برای جرایم خاص مانند جرایم جنگی، جنایات علیه بشریت، نسل‌زدایی و جنگ تجاوزکارانه که خارج از کشور مورد تقاضا ارتکاب یافته است، مجاز می‌باشد.

همکاری حقوقی متقابل و استرداد به عنوان ابزاری برای همکاری‌های بین‌المللی

همکاری حقوقی متقابل در موضوعات جنایی روندی است که از طریق آن دولت‌ها همکاری در جمع‌آوری شواهد و مدارک برای استفاده در پرونده‌های جنایی را پیگیری و فراهم می‌کنند. استرداد فرایند رسمی است که به موجب آن یک دولت بازگشت اجباری فرد متهم یا محکوم به جرم را برای محاکمه و یا اعمال مجازات در کشور مورد تقاضا، درخواست می‌کند. استرداد یکی از قدیمی‌ترین اشکال همکاری بین‌المللی است؛ ریشه‌های آن را می‌توان در دوران باستان ردیابی کرد. در ابتدا دولت‌ها تنها به دنبال بازگشت افراد مظنون به اتهام ارتکاب جرم سیاسی بودند، این مفهوم بتدریج رشد کرده و تکامل یافته است، به طوری که در حال حاضر تعداد زیادی از جرایم جنایی را پوشش می‌دهد، و تعهدات مربوط به آنها از طریق معاهدات دوجانبه، منطقه‌ای و چند جانبه مستحکم شده است. اگر چه استرداد قرن‌ها استفاده می‌شود، اما این قانون بجا و مناسب توسعه نیافته است که تعهدی مثبت در هر دولت نسبت به استرداد محسوب شود. تعهد به استرداد تنها با وجود یک معاهده مطرح می‌شود و حتی پس از آن، محدودیت خاصی وجود دارد، از جمله آنکه درخصوص برخی جرایم و طبقه‌ای از افراد، بسته به صلاحیت دادگاه امکان استرداد وجود ندارد. با این حال، استرداد، لزوماً به معنای محاکمه یا مجازات نیست.^۴

¹ Ronald J. Hedges. (2014). P.1

² Plachta, Michael. (2001). P.64-65

³ Rebane, Kai I. (1995). P.1636

⁴ UNITED NATIONS OFFICE ON DRUGS AND CRIME at Vienna. (2012). P.19-42

استرداد می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از اسناد تبادل از طریق کانال‌های دیپلماتیک میان مقامات تعریف شود که به دنبال تسلیم فرد متهم یا فراری به کشوری هستند که در قلمرو آن جرم مورد ادعا ارتکاب یافته است.^۵

معاهدات به عنوان مبنای همکاری‌های بین‌المللی در سراسر جهان برای سال‌های متمادی استفاده شده است. در این طیف از همکاری‌های بین‌المللی، آنها نشان‌دهنده رسمی‌ترین ابزار هستند که می‌توانند خواه برای همکاری متقابل قانونی و یا استرداد مورد استفاده قرار گیرند. معاهدات بر تلاش و همکاری در خصوص انواع خاصی از جرایم یا در نظر گرفتن مسائل منطقه‌ای و نظام حقوقی یک منطقه خاص متمرکز است. معاهدات همچنین احزاب را به همکاری با یکدیگر تحت قوانین بین‌المللی ملزم می‌کنند. معاهدات دوجانبه می‌توانند بین دولت‌ها طراحی شده و درجه بالایی از اطمینان را در مورد تعهدات و انتظارات در روند استرداد ارائه دهند. این امر به ویژه زمانی که دولت‌ها در رویه‌های حقوقی مشابهی اشتراک دارند، به عنوان وجوه مشترک پیدا شده در این پیمان از طریق دادگاه داخلی دنبال خواهد شد. هنگامی که دولت‌ها در یک معاهده دو جانبه رویه‌های حقوقی مختلفی دارند تلاش برای دستیابی به اطمینان و شفافیت، مشکل‌تر می‌شود. چالش دیگر در معاهدات دوجانبه هزینه و تلاشی است که برای به ثمر رسیدن صرف می‌شود. در حال حاضر معاهداتی در این خصوص بین کشورها منعقد می‌شود و ثابت شده است این امر کاملاً موفقیت‌آمیز بوده است. همچنین معاهدات منطقه‌ای منجر به ایجاد مقررات منطقه‌ای شده‌اند که اجازه می‌دهد این معاهده اجرا شود.^۶

۲- جرایم قابل استرداد، آثار و شرایط آن

۲-۱- جرایم قابل استرداد:

برخی از جرایم غیرقابل استرداد هستند. می‌توان گفت یک جرم زمانی قابل استرداد خواهد بود که هر یک از تعاریف ذکر شده در برنامه پیوست یک معاهده که بخشی جدایی‌ناپذیر از معاهده است را داشته باشد، و یا هر جرم دیگر، به شرطی که در هر مورد این جرم تحت قوانین هر دو دولت متعاقد قابل مجازات باشد. همچنین جرمی قابل استرداد است که شامل تلاش یا تبانی برای ارتکاب، کمک یا معاونت در جرم و مشاوره باشد. طبق ماده ۸ قانون راجع به استرداد مجرمین ایران مصوب سال ۱۳۳۹ دولت ایران در موارد ذیل از پذیرفتن تقاضای استرداد خودداری می‌کند:

۱. مجرم دارای ملیت ایرانی باشد. (قاعده عدم تسلیم تبعه)
۲. جرایم سیاسی.
۳. مجرمان نظامی یا غیرنظامی که جرایم خاص نظامی مرتکب شده‌اند.
۴. هرگاه طبق قوانین جزایی طرفین معاهده، تعقیب یا مجازات مشمول مرور زمان شده باشد.
۵. هرگاه موضوع تعقیب اعتبار امر مختوم کیفری یافته باشد.
۶. جرایم کم‌اهمیت.^۷

بنابراین طبق قانون سال ۱۳۳۹ تابعیت فرد مجرم، نوع جرم اعم از سیاسی و نظامی، مرور زمان و اعتبار امر مختوم کیفری از موانع استرداد است. برخی از جرایم در سراسر جهان آنچنان منفور هستند که همگان مرتکبین آن جرایم را دشمنان مردم در سراسر جهان می‌دانند؛ بنابراین استرداد در خصوص جرایم خاص مانند جرایم جنگی، نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت مجاز می‌باشد تا مجرمین این جرایم نتوانند از مجازات بگریزند.

^۵Lassoued, btissem & Mostafa, Mahmoud. (2012).

6 UNITED NATIONS OFFICE ON DRUGS AND CRIME at Vienna. (2012). _P.19-20.

^۷ اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲)، ص ۱۳۷-۱۳۸

۲-۲- شرایط استرداد

جابجایی مجرمان و در نتیجه بین‌المللی شدن جرم، اجرای قانون جزای داخلی را وابسته به همکاری‌های بین‌المللی ساخته است. همانگونه که هیچ الزام کلی از استرداد در سطح بین‌المللی وجود ندارد، هر کشور، با توجه به اینکه تقاضاها برای استرداد اعطا شده‌اند، شرایط و روش را تعیین می‌کند. در واقع، بر اساس منشأ نظام استرداد، اعتراضات برآمده از حقوق بشر، ملاحظات عمده‌ای را در اعطا یا کاهش استرداد در نظر داشته‌اند.^۸ استرداد فرایند رسمی است که توسط آن یک حوزه قضایی از حوزه قضایی دیگر، بازگشت اجباری فردی که در صلاحیت دادگاه درخواست‌شده است و کسی که متهم یا محکوم به یک یا چند جرم جنایی در برابر قانون حوزه قضایی دادگاه متقاضی است را درخواست می‌کند. به نظر می‌رسد این بازگشت طوری است که فرد در دادگاه کشور متقاضی با محاکمه یا مجازات برای چنین جرم یا جرایمی روبرو خواهد شد. استرداد مجرمین می‌تواند برای هر دو دولت متقاضی و متقاضی‌عنه وقت‌گیر و گران باشد؛ از این رو مهم است که در اصول کلی استرداد و اینکه چگونه این اصول در کنوانسیون جرایم سازمان‌یافته منعکس شده است، پایه و مبنای محکمی داشته باشیم. پیش‌شرط اول آن است که باید در هر دو کشور درخواست‌کننده و درخواست‌شونده مشخص شود که آیا جرم مورد اتهام در درخواست استرداد جرمی است که قانون اجازه استرداد آن را می‌دهد. این موضوع که چه جرمی قابل استرداد است به دو روش در یک معاهده یافت می‌شود: روش فهرست کردن یا روش مجازات. روش فهرست کردن بدان معنی است که این معاهده جرائمی را که در آنها استرداد مجاز می‌باشد، فهرست می‌کند. این روش معمولاً در معاهدات قدیمی‌تر یافت می‌شود و می‌تواند مشکل‌ساز باشد، چراکه نیاز به درجه‌ای از دقت دارد که برای دولت متقاضی رسیدن به آن سخت است. در روش مجازات، جرم قابل استرداد بوسیله شدت مجازات که ممکن است تحمیل شود، تعیین می‌گردد. در این مورد، این تعریف می‌تواند کلی‌تر باشد چرا که مدت مجازات عامل تصمیم‌گیری در آن است که آیا یک جرم قابل استرداد است.^۹ یکی از شرایطی که در مورد جرایم قابل استرداد مورد توجه قرار گرفته این است که باید مستلزم خطر مهمی برای نظم عمومی جوامع باشد. روشهای مختلفی برای تشخیص جرایم قابل استرداد از جرایم غیرقابل استرداد وجود دارد که عبارتند از:

- ۱- روش احصاء قانونی: فهرست کردن جرایمی که مرتکبین آن قابل استرداد هستند؛
- ۲- روش اتهام متقابل: عمل ارتكابی باید طبق قوانین جزایی کشور متقاضی و متقاضی‌عنه قابل مجازات باشد؛
- ۳- روش تشخیص بر حسب میزان مجازات: استرداد مبتنی بر اهمیت مجازات که درباره فعل ارتكابی متهم یا مجرم برقرار شده است.

از میان این سه روش، دولت‌ها به شیوه تشخیص جرایم قابل استرداد بر حسب میزان مجازات که از عمومیت بیشتری برخوردار است رغبت بیشتری نشان می‌دهند. مؤسسه حقوق بین‌الملل آکسفورد درخصوص تشخیص جرایم قابل استرداد بر حسب اهمیت مجازات چنین بیان کرده است: «استرداد اصولاً باید در جرایم بسیار مهم اعمال گردد مگر آنکه اوضاع و احوال و کیفیت مختص دول ایجاب نماید که جرایم بیشتری را به این منظور اختصاص داده و در عهدنامه‌های خود قید نمایند.»^{۱۰}

۲-۳- آثار استرداد:

در روند استرداد، مقامات دولت متقاضی‌عنه پس از ابلاغ تصمیم خود مبنی بر تحویل شخص مورد تقاضا به دولت متقاضی، او را در مکان و زمان معین به دولت درخواست‌کننده تسلیم می‌کنند. پس از استرداد، شخص مورد درخواست اگر به مجازات محکوم شده باشد برای اجرای حکم به مقامات مجری احکام کیفری تحویل داده می‌شود و اگر متهم تحت تعقیب و یا در دادگاه باید حاضر باشد، مقام تعقیب‌کننده او را به مرجع تحقیق و یا دادگاه صالح ارجاع می‌دهد.^{۱۱}

⁸ S.R. Subramanian. (2014). P.233

⁹ UNITED NATIONS OFFICE ON DRUGS AND CRIME at Vienna. (2012). _P.41-42.

^{۱۰} عباسی، محمود (۱۳۷۳)، ص ۱۲۴-۱۱۶

^{۱۱} اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲)، ص ۱۶۵

استرداد دارای آثار و فوایدی برای هر دو دولت متقاضی و متقاضی‌عنه می‌باشد. یکی از این آثار این است که مجرمان متوجه خواهند شد که عمل مجرمانه آنها پیامدی جز حتمیت مجازات به دنبال ندارد و به هر کشوری که پناهنده شوند مصون از مجازات نیستند. به این ترتیب سبب پیشگیری از بروز ارتکاب مجدد جرم در جامعه توسط فرزهکار و دیگران خواهد شد. از طرف دیگر با طرد افراد فرزهکار از کشور متقاضی‌عنه و تسلیم آنها به کشور متبوعشان اسباب تأمین امنیت داخلی این کشورها فراهم می‌شود.^{۱۲}

طبق ماده ۲۳ قانون راجع به استرداد مجرمین، شخصی را که استرداد او مورد قبول واقع شده نمی‌توان به اتهام جرم دیگری که قبل از تاریخ استرداد مرتکب گردیده مورد تعقیب قرار داد یا مجازات نمود مگر با جلب رضایت دولت مستردکننده. آیین استرداد به منظور تأمین آزادی‌های فردی و حفظ حقوق افراد مورد درخواست استرداد در قوانین کشورها و معاهدات استرداد پیش‌بینی شده و عموماً متضمن تعهدات همه‌جانبه هر دو دولت متقاضی و متقاضی‌عنه نسبت به شخص مورد درخواست استرداد است.^{۱۳}

اجرای درخواست استرداد و نقش اینترپل در استرداد

اجرای استرداد به شرح ذیل می‌باشد:

۱. دستگیری شخص مورد درخواست: هنگامی که طرف درخواست‌کننده به دنبال استرداد شخص فراری است، در بسیاری از موارد، فرد مورد نظر از کشوری به کشور دیگر به امید فرار از تعقیب و مجازات می‌گریزد. یک گزینه برای طرف درخواست‌کننده برای بازگرداندن فرد تحت تعقیب می‌تواند از طریق هشدار اینترپل باشد، که هدف اصلی آن تسهیل همکاری پلیس بین‌المللی با استفاده از ابزارهایی برای جلوگیری یا تنظیم حرکات مشکوک یا افراد تحت تعقیب خواهد بود. یکی از این ابزارهای استفاده شده توسط اینترپل شامل استفاده از اعلامیه رنگی است که هفت نوع آن وجود دارد و هر یک انواع مختلف درخواست را نشان می‌دهد. به عنوان مثال، اگر درخواستی برای استرداد فرد وجود داشته باشد، طرف درخواست‌کننده ممکن است به اینترپل هشدار دهد، که اینترپل نیز به نوبه خود، با صدور اعلان قرمز برای جلوگیری از سفر آن فرد هشدار می‌دهد.
۲. مصاحبه از سوژه تحت تعقیب توسط دادستان؛
۳. اخراج فوری (به عنوان مثال در حوادث تروریستی، مواد مخدر یا قاچاق انسان. پولشویی، جرایم سازمان‌یافته فراملی) یا دادستان تا رسیدن کپی از فایل پرونده از حوزه قضایی درخواست‌کننده و به دنبال آن تصمیم نهایی درخصوص استرداد، فرد مورد درخواست را زندانی خواهد کرد.
۴. در برخی از حوزه‌های قضایی (به عنوان مثال انگلستان)، دادستان پس از دریافت یک کپی از فایل پرونده از حوزه قضایی درخواست‌کننده، پرونده را مورد بررسی قرار می‌دهد و اقدام عمومی علیه فرد تحت تعقیب را آغاز خواهد کرد.^{۱۴}

اینترپل بزرگترین سازمان پلیس بین‌المللی سراسر جهان است، که دفتر مرکزی و دبیرخانه آن در لیون فرانسه واقع شده است. به منظور سهولت دستگیری مجرمانی که به کشورهای دیگر پناه می‌برند مؤسسه پلیس بین‌الملل همکاری می‌کند که دولت جمهوری اسلامی ایران جزء اعضای آن محسوب می‌شود. اینترپل در دستگیری، بازگشت و تسلیم مجرمان همیشه با دولت‌های عضو همکاری نزدیک دارد و به دلیل رابطه سریع با همکارانش در کشورهای دیگر می‌تواند در جلوگیری از فرار مجرمان تأثیرگذار باشد. استرداد مجرمان به روابط سیاسی بین کشورها بستگی دارد. اگر بین دو کشور رابطه دیپلماتیک

^{۱۲} عباسی، محمود (۱۳۷۳)، ص ۵۷-۵۵

^{۱۳} همان، ص ۱۷۰ و ۱۸۵

^{۱۴}Lassoued, btissem & Mostafa, Mahmoud. (2012).

نزدیک وجود داشته باشد، بدیهی است که درخصوص استرداد مجرمان با یکدیگر همکاری می‌کنند و در صورت عدم وجود این رابطه، تلاشی هم برای تحویل و اعاده افراد تحت پیگرد بعمل نمی‌آید.^{۱۵}

نزدیک‌ترین چیزی که امروز در دسترس است، اخطار قرمز اینترپل می‌باشد که از طریق آن کشورها به دنبال دستگیری یا بازداشت موقت افراد تحت پیگرد در خارج از کشور، با دیدگاه استرداد هستند. اگر دولتی به دنبال فردی برای محاکمه و یا اعمال مجازات باشد و اعتقاد بر این است که این فرد به خارج از کشور فرار کرده است، آن دولت می‌تواند از اینترپل درخواست صدور اخطار قرمز نماید که پس از آن به کشورهای عضو اینترپل منتشر می‌شود. اگر پلیس در کشور دیگری متوجه فرد تحت تعقیب شد، به اینترپل اطلاع می‌دهد، اینترپل نیز به نوبه خود دولت متقاضی را مطلع می‌سازد که سپس می‌تواند بازداشت موقت یا استرداد را درخواست کند.^{۱۶}

قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران در رابطه با معاضدت قضایی و استرداد مجرمین

با توافق حاصله میان دو یا چند کشور، انجام برخی از امور حقوقی طی تشریفات خاصی به دولت دیگری واگذار می‌شود که به شکل معاضدت قضایی مطرح می‌شود؛ که از آن جمله می‌توان به شهادت افراد، ابلاغ اوراق قضایی، انجام عملیات تجسسی و توقیف اموال، بررسی اقامت و اسناد، مصادره عواید، اموال و سایر اقسام، اجرای حکم محکومیت، احاله دادرسی و غیره اشاره کرد. در ایران موافقتنامه‌های متعدد معاضدت قضایی در امور مدنی و کیفری با مهم شمردن توسعه همکاری در امور قضایی با دول مختلف منعقد شده است که متضمن احترام به اصول حاکمیت و استقلال ملی و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، با قصد تأمین حمایت قضایی یکسان برای اتباع طرفین متعاقد و حفظ منافع متقابل است. از جمله این موافقتنامه‌ها می‌توان به موافقتنامه‌های حقوقی و قضایی با کشورهای آذربایجان، روسیه، الجزایر، اوکراین، قزاقستان، آفریقای جنوبی، ترکمنستان، سوریه، قرقیزستان و کویت درخصوص معاضدت حقوقی و قضایی اشاره کرد.^{۱۷}

بنابراین معاضدت قضایی بین‌المللی را می‌توان چنین تعریف کرد: «مجموع امکاناتی که از آن طریق یک دولت کمک قوای عمومی یا نهادهای قضایی خود را در خدمت تحقیق، محاکمه و اجرای کیفر که دولت دیگر تقاضا نموده است می‌نهد.»^{۱۸}

در زمینه استرداد اولین قراردادی که دولت ایران منعقد کرد، با دولت افغانستان در سال ۱۳۰۷ بود. سایر عهدنامه‌های دوجانبه استرداد بین کشور ما و سایر کشورها عبارتست از:

- قرارداد استرداد مجرمین با فرانسه مصوب ۱۳۴۵.
- قانون راجع به عهدنامه استرداد مجرمین با پاکستان مصوب ۲۸ فروردین ۱۳۳۹.
- موافقتنامه استرداد مجرمین با آذربایجان [مصوب ۱۳۷۶].
- موافقتنامه استرداد مجرمین با ازبکستان [مصوب ۱۳۸۱].
- موافقتنامه استرداد مجرمین با الجزایر [مصوب ۱۳۸۴].
- معاهده استرداد مجرمین با اوکراین
- موافقتنامه استرداد مجرمین با ارمنستان.^{۱۹}

با بررسی تطبیقی در قوانین چند کشور، تقریباً در متن بیشتر قوانین از یک الگوی مشابه تبعیت شده است. علت این امر بین‌المللی بودن موضوع قانون یعنی استرداد است. دلیل بعدی توجه به معاهدات و اصول حاکم بر استرداد در سطح بین‌المللی می‌باشد، که تدوین‌کنندگان قوانین استرداد در کشورها در تنظیم موارد و متون به اصول مذکور توجه داشته‌اند. قانون استرداد

^{۱۵} نیکانجام، شهناز (۱۳۶۶)، ص ۹۰

^{۱۶} Prisoners Abroad. Extradition and 'International' Arrest Warrants. (2009). P. 10

^{۱۷} ساعد، محمدجعفر (۱۳۸۷)، ص ۱۸۰-۱۰

^{۱۸} اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲)، ص ۲۲

^{۱۹} ساعد، محمدجعفر (۱۳۸۷)، ص ۲۴۲-۱۸۲

در ایران در سال ۱۳۳۹ وضع شد. این قانون با ۲۶ ماده و یک تبصره به تصویب رسید، که در فصل اول شرایط استرداد و در فصل دوم ترتیب استرداد مقرر شد. در ماده ۱ قانون مذکور آمده است «در مواردی که بین دولت ایران و دول خارجه قرارداد استرداد منعقد شده استرداد طبق شرایط مذکور در قرارداد انجام می‌شود و چنانچه قراردادی منعقد شده و یا اگر حاوی تمام نکات لازم نباشد استرداد طبق مقررات این قانون به شرط معامله متقابل به عمل خواهد آمد». در این ماده هم وضع معاهدات دوجانبه مشخص شده و هم اینکه اگر نقصی در قرارداد وجود داشته باشد یا موردی در آن پیش‌بینی نشده باشد برابر مفاد این قانون عمل می‌شود. به این ترتیب منشأ حقوق استرداد در ایران قراردادهای دوجانبه است. همچنین اگر با کشوری قرارداد دوجانبه استرداد منعقد نشده باشد برابر ماده ۱ مذکور می‌توان به شرط اقدام و عمل متقابل کشور طرف متقاضی، برابر متن این قانون نسبت به درخواست‌های رسیده از کشورها، در مورد مسترد نمودن مجرمین فراری آنها اقدام کرد.^{۲۰}

همچنین قانون راجع به تعقیب جزایی مجرمین فراری از مناطق سرحدی مجاور ایران در ۱۷ مرداد ماه سال ۱۳۱۳ به تصویب رسید که مشتمل بر ۳ ماده است. مطابق ماده ۱ این قانون مأموران مربوطه در حدود نظامنامه مصوبه هیأت دولت اجازه دارند هنگامی که با فردی مواجه شدند که مرتکب جنحه یا جنایتی شده و به خاک ایران گریخته است، با تقاضای مأمورین سرحدی کشور مجاور و به شرط معامله متقابل و در صورت وجود دلایل و قراینی که اتهام آنها را به ارتکاب این جرایم تأیید کند آنها را توقیف احتیاطی نمایند و به کشور متبوعشان مسترد دارند. ماده دوم این قانون در مورد اختیارات مأمورین سرحدی در حدود نظامنامه در رسیدگی به دعاوی اختلافات بین اتباع ایران و اتباع کشور همسایه است و ماده سوم نیز در مورد تعیین منطقه سرحدی است که در هر حال نباید از عمق ۷۵ کیلومتر تجاوز نماید.^{۲۱}

جمع‌بندی:

استرداد موضوع دشواری است. اگر چه این فرایند با وجود قراردادهای بین دو یا چند حوزه قضایی ساده شده است، وظیفه اصلی مصالحه‌ی دو یا چند حوزه قضایی بیشتر از پیدا کردن یک معاهده الزام آور طول می‌کشد. توسعه سریع استرداد مستلزم این است که به موازات چالش‌های فزاینده جهانی شدن در جهان مدرن حفظ شود.

به‌طور کلی، حمایت‌های عمومی حقوق بشر ارائه شده توسط بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشر به طور برابر با روند استرداد قابل اجرا است. به نظر می‌رسد که حمایت‌های عمومی حقوق بشر، همانگونه که با تضمین‌های استرداد خاص مخالف بودند، به عنوان ابزار غالب کنترل افراط‌های ارتکاب یافته در طول فرآیند استرداد پدید آمده است. استرداد به طور کلی به عنوان ترکیبی از قوانین بین‌المللی و داخلی مشاهده می‌شود. به طور خاص‌تر، قوانین مربوط به استرداد موضوع منحصر به فرد حقوق بین‌الملل عمومی نیستند، چراکه آنها در هر دو حقوق عمومی بین‌المللی به عنوان مثال در معاهدات استرداد دوجانبه و قوانین داخلی موجود هستند. از این رو، لازم است تا قوانین اساسنامه استرداد داخلی را بررسی کنیم. روند استرداد باید مؤثر و کارآمد باشد؛ در غیر این صورت، اعتماد مردم به قانون و نظم به خطر خواهد افتاد. باید توجه داشته باشیم که هیچ قانون حقوق بین‌الملل عرفی صریحاً به تلاش دولت‌ها برای استرداد متهم برای احترام به حقوق بشر نیاز ندارد. در واقع، در حقوق بین‌الملل عرفی، وظیفه‌ای برای استرداد و همچنین برای انجام ندادن استرداد وجود ندارد. تنها به موجب مقررات قانونی موجود در معاهدات دوجانبه استرداد است که وظیفه‌ای برای استرداد یا شرایط خاصی در خصوص واگذاری در قوانین بین‌المللی ایجاد شده است.

یکی از بحث برانگیزترین مسائل مربوط به استرداد، استثنای بسیاری از جرائم سیاسی است. جرم سیاسی تحت قوانین بین‌المللی به عنوان متهم ساختن مخالفت مسالمت‌آمیز و انتقاد از سیاست‌های رژیم سیاسی متقاضی استرداد تعریف شده است. اصل پذیرفته شده‌ای که در اکثر قوانین و معاهدات استرداد، برای کشور درخواست‌شونده حق امتناع از استرداد جرایم

^{۲۰} شیرخانلو، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، اینترنت

^{۲۱} ساعد، محمدجعفر (۱۳۸۷)، ص ۱۴

سیاسی را فراهم می‌کند. تکامل حقوق بین‌الملل و محکوم شدن اشکال خاصی از رفتار مجرمانه، دامنه این اصل را محدود کرده‌اند، به طوری که در حال حاضر مانع از فجیع‌ترین جنایات بین‌المللی از جمله نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت می‌شوند. به غیر از این و چند مورد دیگر، با این حال، توافق بسیار کمی در مورد آنچه که به منزله یک جرم سیاسی محسوب می‌شود، وجود دارد، و در نتیجه دولت‌ها از اختیار عمل قابل توجهی در استفاده از استثناء جرم سیاسی برخوردارند. ابزار استرداد اغلب مقرر می‌کند که اگر فردی به خاطر نژاد، مذهب، ملیت، جنسیت، گرایش جنسی یا عقاید سیاسی با تعقیب قانونی مواجه است، یا اگر ممکن است در دادگاه برای هر یک از این دلایل به خطر بیفتد، نباید مسترد شود. البته، چنین دلایلی نیز ممکن است موضوع پناهندگی سیاسی را افزایش دهد.

منابع فارسی:

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲)، «معاضدت قضایی و استرداد مجرمین»، نشر میزان، چاپ اول.
۲. ساعد، محمدجعفر (۱۳۸۷)، «موافقت‌نامه‌های ایران و سایر کشورها در زمینه معاضدت قضایی و استرداد مجرمین»، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
۳. شیرخانلو، حبیب‌الله (۱۳۸۰)، «آئین استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای جهان»، قابل دسترس در: <http://www.ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=114>
۴. عباسی، محمود (۱۳۷۳)، «استرداد مجرمین»، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ اول.
۵. نیک‌انجام، شهناز (۱۳۶۶)، «استرداد مجرمین»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مقاله ۷، شماره ۰، دوره ۲۳.

منابع لاتین:

1. Lassoued, btissem & Mostafa, Mahmoud. (2012). Extradition requests and available defences. Available from: <http://www.tamimi.com/en/magazine/law-update/section-6/january-february-1/extradition-requests-and-available-defences.html>
2. Plachta, Michael. (2001). CONTEMPORARY PROBLEMS OF EXTRADITION: HUMAN RIGHTS, GROUNDS FOR REFUSAL AND THE PRINCIPLE AUT DEDERE AUT JUDICARE.
3. Prisoners Abroad. Extradition and 'International' Arrest Warrants. (2009). Prisoners Abroad, London, United Kingdom.
4. Rebane, Kai I. (1995). Extradition and Individual Rights: The Need for an International Criminal Court to Safeguard Individual Rights. FORDHAM INTERNATIONAL LAW JOURNAL [Vol. 19:1636].
5. Ronald J. Hedges. (2014). International Extradition: A Guide for Judges. Federal Judicial Center publication.
6. S.R. Subramanian. (2014). The role of human rights in extradition: the imperatives of reforming the Indian extradition law. Commonwealth Law Bulletin. Vol. 40, No. 2, 233-253.
7. UNITED NATIONS OFFICE ON DRUGS AND CRIME at Vienna. (2012). Manual on Mutual Legal Assistance and Extradition. UNITED NATIONS, New York.